

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- ۱- اصلاح اساسنامه صندوق توسعه صنایع دریایی..... ۱
- ۲- طرح استفساریه ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۶۸..... ۴

۱- اصلاح اساسنامه صندوق توسعه صنایع دریایی

- سابقه مصوبه

الف - به موجب ماده (۱) قانون توسعه و حمایت از صنایع دریایی - مصوب ۱۳۸۷- به دولت اجازه داده شد صندوق توسعه صنایع دریایی را تأسیس نماید. براساس تبصره (۱) ماده (۱) قانون یادشده، قانونگذار اختیار تصویب اساسنامه صندوق مذکور را به هیأت وزیران تفویض نمود.

ب - هیأت وزیران اساسنامه صندوق مذکور را طی تصویبنامه شماره ۲۸۵۹/ت ۴۰۵۵۰ هـ مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۲ ابلاغ نمود.

ج - رئیس مجلس شورای اسلامی طی نامه شماره ۵۱۹۴۳ هـ/ب مورخ ۱۳۸۹/۸/۹ ایراداتی را در چهار بند در خصوص اساسنامه مذکور مطرح کرده است که به شرح زیر است:

۱- بند (ج) ماده (۸) از جهت عدم تصریح به ضرورت ثبت شناورها در ایران با توجه به ماده (۲) قانون مذکور

۲- بند (ت) ماده (۱۳) از جهت عدم تصریح به رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری برای تعیین حقوق و مزایا و پاداش اعضای هیأت مدیره صندوق مذکور

۳- بند (ح) ماده (۱۶) از جهت عدم تصریح به رعایت قانون برگزاری مناقصات - مصوب ۱۳۸۳-

۴- بند (ح) ماده (۱۶) از جهت عدم تصریح به مواد (۷)، (۴۴) و (۹۵) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶-

- اظهار نظر کارشناسی

الف - با عنایت به مفاد ماده (۲) قانون توسعه و حمایت از صنایع دریایی^۱ مبنی

۱. ماده (۲) قانون توسعه و حمایت از صنایع دریایی: شناورهایی که با استانداردهای ملی یا جهانی در داخل کشور ساخته می‌شوند و دارای مالک ایرانی هستند و در ایران به ثبت رسیده باشند از تسهیلات بلاعوض معادل مالیات بر درآمد پرداختی سالانه شناور مزبور برخوردار خواهند بود. دولت مکلف است تسهیلات اعطایی مورد نظر را در قالب وجوه اداره شده در بودجه سنواتی دولت پیش‌بینی و پرداخت

بر اینکه اعطای تسهیلات بلاعوض مربوط به شناورهای است که در ایران به ثبت رسیده باشند، لذا جهت رفع ایراد رئیس مجلس، عبارت «به ثبت رسیده باشند» در بند(ج) ماده(۸) اضافه شده است که رافع ایراد است و این اصلاح منطبق با نظر مقنن است، لذا مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

ب - ایراد دوم رئیس مجلس به شرح زیر است:

با عنایت به ماده(۱) قانون توسعه و حمایت از صنایع دریایی و مستنداً به مواد (۲) و (۶) اساسنامه مبنی بر دولتی بودن صندوق و نظر به اینکه به موجب ماده(۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ احکام و مقررات مندرج در فصل دهم این قانون یعنی مواد (۶۴) لغایت (۸۰) ناظر بر تعیین حقوق و مزایا برای تمامی دستگاه‌های اجرایی از جمله صندوق توسعه صنایع دریایی لازم‌الاتباع بوده و عنایتاً به ماده(۱۱۷) قانون اخیرالذکر که به موجب آن، صندوق مزبور مستثنی از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری نمی‌باشد، علیهذا بند(ت) ماده(۱۳)^۱ اساسنامه در خصوص چگونگی تعیین حقوق و مزایا و پاداش اعضای هیأت مدیره که بیانگر طریقی علیحده از روش مندرج در قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد اولاً چون با توجه به وجود قانون مدیریت خدمات کشوری به‌عنوان قانون مؤخر به ماده(۲۴۱) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷- استناد می‌نماید، مغایر با قانون مدیریت خدمات کشوری است، ثانیاً از این حیث که به جای استناد به تمامی مواد مندرج در بخش دهم قانون مدیریت خدمات کشوری، صرفاً ماده(۷۴) به عنوان بخشی از فصل دهم قانون مذکور مورد استناد قرار می‌گیرد مغایر با قانون می‌باشد. با توجه به اصلاح به‌عمل آمده در بند(۲) مصوبه

نماید.

۱. ماده(۱۳) اساسنامه: وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی به شرح زیر تعیین می‌شود:
... ت - نصب و عزل اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل و تعیین حقوق و مزایا و پاداش اعضای هیأت مدیره و حق‌الزحمه بازرسی و حقوق و مزایای مدیرعامل حسب مورد با رعایت ماده(۲۲۱) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - مصوب ۱۳۴۷- و ماده(۷۴) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶- ...

دولت، ایراد برطرف شده است و مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

ج - ایراد سوم رییس مجلس به شرح زیر است:

علاوه بر بند(ب) ماده(۱) قانون برگزاری مناقصات - مصوب ۱۳۸۳- که مقرر می‌دارد «تمامی دستگاه‌ها و واحدهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است اعم از اینکه قانون خاص خود را داشته و یا از قوانین و مقررات عام تبعیت نمایند ... موظفند در برگزاری مناقصات، مقررات این قانون را رعایت کنند» به موجب دیگر مواد مندرج در همین قانون نیز، انعقاد قراردادها و تشریفات مناقصه، متضمن ضوابط مشخص می‌باشد، علیهذا بند(ح) ماده(۱۶) اساسنامه^۱ مبنی بر واگذاری حق تعیین ضوابط مربوط به عقد و لغو قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی به هیأت مدیره صندوق چون اختیارات اعطایی از حیث اطلاع اعم است از مندرجات مقرر در قانون برگزاری مناقصات، مغایر با قانون می‌باشد. با توجه به اصلاح انجام شده در بند(۳) مصوبه، ایراد رئیس مجلس رفع شده است و مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

د - ایراد چهارم رییس مجلس به شرح زیر است:

به موجب قانون مدیریت خدمات کشوری از جمله مواد(۷)، (۴۴) و (۹۵) این قانون به کارگیری افراد در دستگاه‌های اجرایی، تابع مقررات، تشریفات و محدودیت‌های قانونی خاص خود می‌باشد، بنابراین عبارت مندرج در بند(ج) ماده(۱۶) اساسنامه^۲، ناظر بر چگونگی بهره‌مندی از خدمات اشخاص حقیقی از حیث اطلاق مبنیاً بر ایراد مذکور در فوق، مغایر با قانون می‌باشد. لذا با توجه به اصلاح صورت گرفته به شرح بند(۳) مصوبه، ایراد رئیس مجلس رفع شده است و مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

۱. ماده(۱۶) اساسنامه: هیأت مدیره دارای وظایف و اختیارات زیر می‌باشد:

... ح - تعیین ضوابط مربوط به عقد و لغو قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی.

۲. همان.

۲- طرح استفساریه ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۶۸

- مقدمه توجیهی، ضرورت‌ها و اهداف

- ۱- برداشتهای متناقض دستگاه‌های دولتی از ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۶۸/۰۹/۱۳ و در نتیجه تضییع حقوق مسلم آزادگان عزیز.
- ۲- صدور آرای متفاوت از سوی قضات بویژه دادرسان دیوان عدالت اداری.
- ۳- رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری که حقوق و مزایای دوران اسارت را قابل پرداخت ندانسته است.

در خصوص اعمال ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان، متأسفانه برخی از دستگاه‌های دولتی با برداشتهای شخصی که فاقد ملاک و مبنای حقوقی می‌باشد، از اجرای قانون امتناع ورزیده و موجب تضییع حقوق این قشر زجرکشیده را فراهم نموده‌اند از جمله این موارد پرداخت حقوق و مزایای مدت سابقه خدمت موضوع ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان می‌باشد. امری که متأسفانه بعضی از شعب دیوان عدالت اداری نیز با تفسیر قضایی مبادرت به صدور آرای متناقض در موضوع واحد نموده‌اند. در خصوص این ماده ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد.

نکته اول: ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مقرر می‌دارد «... به ازای هر یک سال اسارت، دو سال به عنوان سابقه خدمت رسمی و مرتبط تلقی می‌گردد و از هر لحاظ مورد محاسبه قرار خواهد گرفت.» توجه به چند مطلب در این ماده ضروری است. اولاً عبارت «محاسبه مدت اسارت به میزان دو برابر به عنوان خدمت رسمی و مرتبط و محاسبه آن از هر لحاظ» عبارتی مطلق است و لفظ مطلق بر مصداق اکمل آن دلالت دارد و قانونگذار دو برابر سابقه اسارت را به عنوان خدمت رسمی و مرتبط، مفروض دانسته است. خدمت رسمی نیز دارای مزایایی چون حقوق، فوق‌العاده شغل، گروه، پایه، مرخصی و عیدی است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مصداق اکمل و اعلاّی مزایای خدمت رسمی، حقوق است و سایر مزایا متفرع بر حقوق می‌باشد. بنابراین تفسیر ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان و استناد به این که ماده (۱۳) ناظر به احتساب سوابق خدمتی و محاسبه آن در ارتقای شغلی و بازنشستگی است، بر خلاف نص صریح و اطلاق ماده مذکور است و نمی‌توان مزایای فرعی خدمت رسمی را محاسبه کرد ولی حقوق خدمت رسمی را که به عنوان مزیت اصلی است نادیده گرفت.

به عبارت دیگر این‌گونه تفسیر که مبتنی بر تقييد ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان است و متأسفانه در استدلال برخی مراجع قضایی نیز دیده می‌شود، قطعاً خلاف اراده قانونگذار در اطلاق عبارت «به عنوان سابقه خدمت رسمی و مرتبط تلقی می‌گردد و از هر لحاظ مورد محاسبه قرار خواهد گرفت» می‌باشد و نیز خلاف موازین حقوقی است، چرا که اصل، عدم تقييد و عدم تخصیص است. موارد بسیاری نیز این برداشت را تأیید می‌نمایند از جمله:

۱- بند (ع) تبصره (۲۰) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور که مقرر می‌نماید حقوق مرخصی آزادگان که بر اساس ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان دو برابر محاسبه و ذخیره شده است، بر اساس آخرین حقوق و مزایای فرد قابل پرداخت خواهد بود.

۲- نامه شماره ۱۶/۱۳۰۰۲ مورخ ۱۳۸۲/۰۲/۳۰ مدیرکل قوانین مجلس شورای اسلامی.^۱ ثانیاً در ماده (۱۳) مورد بحث، مقنن، دستگاه‌های ذی‌ربط را مکلف به پرداخت کسورات بازنشستگی کرده است. چگونه ممکن است از حقوق و مزایا، کسورات بازنشستگی و بیمه که متفرع بر حقوق است، محاسبه و پرداخت شود ولی اصل حقوق موضوع حکم قرار نگرفته و الزامی به پرداخت آن نباشد؟
به بیان دیگر از دیدگاه قانونگذار که به کسورات بازنشستگی اشاره کرده است،

۱. نظر مقنن در ماده (۱۳) قانون که مدت اسارت به ازای هر یک سال اسارت دو سال به عنوان سابقه خدمت رسمی و مرتبط تلقی می‌گردد، کاملاً صریح است و همین عبارت برای استفاده آزادگان عزیز از تمامی امتیازات مربوط به احتساب سابقه خدمت کافی بوده، با اضافه شدن عبارت «از هر لحاظ مورد محاسبه قرار خواهد گرفت» در متن قانون، هرگونه مقید کردن نظر قانونگذار، مغایر صریح منطوق قانون است.

پرداخت حقوق، امری بدیهی و مفروض بوده است، لذا لزومی به تصریح آن نمی‌دیده است.
نکته دوم: قانون حمایت از آزادگان قانون حمایتی است که در مقام تفسیر آن باید نفع مشمولان آن را ملحوظ داشت. به بیان دیگر، تفسیر مضیق مفاد آن با اراده قانونگذار که حمایت از افرادی خاص است، مغایرت دارد.
لذا طرح استفساریه مذکور ارائه شده است.

- سابقه طرح

به موجب ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان - مصوب ۱۳۶۸ - مدت اسارت برای عموم آزادگان اعم از اینکه قبل از اسارت در دستگاه‌ها شاغل بوده و یا بعد از اسارت شاغل شوند با تمایل آنان به ازای هر یک سال اسارت، دو سال به عنوان سابقه خدمت رسمی و مرتبط تلقی می‌گردد و از هر لحاظ مورد محاسبه قرار خواهد گرفت و دستگاه ذی‌نفع موظف است کسورات بازنشستگی را در قانون بودجه سال بعد پیش‌بینی و به صندوق‌های بازنشستگی ذی‌ربط پرداخت نماید.

از آنجا که در اعطای مزایای مربوط به ماده (۱۳) قانون مذکور به آزادگان مشمول، مبنای مورد عمل دستگاه‌های اجرایی، مفاده ماده (۱۰) دستورالعمل اجرایی موضوع بخشنامه شماره ۹۶۰۱۸ مورخ ۱۳۶۹/۰۸/۲۴ ریاست جمهور وقت^۱ بوده است که به مواردی از قبیل ارتقا، ترفیع، بازنشستگی یا عناوین مشابه و نیز موضوع مأخذ کسور بازنشستگی پرداخته است و هیچ اشاره‌ای به پرداخت حقوق و مزایا و عیدی ایام اسارت نشده است و از سویی تعدادی از آزادگان با استناد به ماده (۱۳) قانون مذکور تقاضای حقوق و مزایا و نیز عیدی بابت دو برابر ایام اسارت خود را دارند و دستگاه‌های اجرایی نسبت به اجابت این درخواست استنکاف

۱. هر سال اسارت آزادگان موضوع ماده (۱۳) قانون مذکور از لحاظ ارتقا و ترفیع و بازنشستگی یا عناوین مشابه دو برابر محاسبه خواهد شد و کسر سال نیز به تناسب قابل احتساب خواهد بود.
تبصره - مأخذ پرداخت کسور بازنشستگی آخرین حقوق قبل از اسارت و در اشتغال جدید اولین حقوق بعد از اسارت می‌باشد که سهم مستخدم و کارفرما توسط دستگاه مربوط به صندوق بازنشستگی ذی‌ربط خواهد شد.

نموده‌اند، لذا تعدادی از آزادگان به دیوان عدالت اداری شکایت کردند و در شعب دیوان نیز آرای متناقض و متفاوتی در این خصوص صادر شد که در نهایت منجر به رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری^۱ به شرح زیر شد:

اولاً، تعارض در مدلول آرای فوق‌الذکر محرز می‌باشد و ثانیاً، نظر به اینکه مقررات ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان بعد از ورود به کشور مصوب ۱۳۶۹، ناظر به نحوه احتساب سوابق خدمتی و محاسبه آن در ارتقای شغلی و بازنشستگی بوده و حکمی در باب پرداخت عیدی ایام اسارت ندارد، لذا با وحدت ملاک از رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۷۶۰ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۸، رأی شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۳۳۷ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۲ که بر عدم استحقاق شاکی به دریافت عیدی دوران اسارت صادر گردیده، صحیح و موافق مقررات تشخیص می‌گردد.

پس از صدور این رأی، یک فوریت طرح مذکور در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۷ به تصویب نمایندگان رسید و در نهایت در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ به تصویب نهایی رسید.

- قوانین و مقررات مرتبط

الف - قانون راجع به اجازه پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر کارکنان دولت که به اسارت رژیم مزدور عراق درآمده و یا در مناطق اشغالی و جنگی باقی مانده‌اند به عائله تحت تکفل آنان - مصوب ۱۳۶۰ -

۱. دادنامه شماره ۳۸۱ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۵.

۲. نظر به اینکه مدلول آرای صادره از شعب یازدهم و هشتم دیوان مبتنی بر استنباط مختلف از حکم واحد قانونگذار است در نتیجه تعارض بین آرای مذکور محرز می‌باشد و با توجه به اینکه مقررات ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان ناظر به نحوه احتساب سوابق خدمتی و محاسبه آن در ارتقای شغلی و بازنشستگی بوده و نه پرداخت حقوق و مزایای دوران اسارت، لذا استناد به ماده مذکور از حیث پرداخت دو برابر حقوق و مزایای دوران اسارت صحیح نمی‌باشد. بنابراین دادنامه شماره ۱۶۹۳ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۶ شعبه یازدهم که بر همین معنی صادر شده و حقوق و مزایای دوران اسارت را قابل پرداخت ندانسته است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

ب - قانون نحوه تأثیر سوابق خدمت غیردولتی در احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری کارکنان دولت - مصوب ۱۳۷۲-

- دلایل موافقت یا مخالفت نمایندگان مجلس شورای اسلامی

الف - دلایل موافقان

این قانون، قانون حمایتی است، بنابراین باید به نفع آزادگان تفسیر شود. چگونه می‌توانیم بگوییم کسورات بازنشستگی را در نظر بگیرند، ولی حقوق و مزایا را پرداخت نکنند؟ کسورات بازنشستگی فرع بر حقوق است. جایی که حقوق پرداخت نمی‌شود، چه کسری از بازنشستگی؟ موید این امر حکم مقنن در بند(ع) تبصره(۲۰) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور^۱ و نامه شماره ۱۶/۱۳۰۰۲ مورخ ۱۳۸۲/۲/۳۰ اداره کل قوانین مجلس است.

ب - دلایل مخالفان

در ماده(۱۳) قانون حمایت از آزادگان - مصوب ۱۳۶۸- به کلمه «شاغل» اشاره شده است، در حالی که در متن مصوبه کمیسیون اجتماعی از لفظ «غیر شاغل» نیز استفاده شده است که این دیگر تفسیر نیست، بلکه قانون‌گذاری جدید است. مصوبه کمیسیون قانون راتوسعه داده است. آنهایی که آزاده هستند و شاغل نیستند، تکلیف آنان را باید قانون جدید دیگری معین کند، نه اینکه مجلس در قانون تفسیری بخواهد این مشکل را رفع کند.

- اظهار نظر کارشناسی

۱- با توجه به مشروح مذاکرات جلسه علنی ۱۵۰ مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۸ (منتشر شده در روزنامه رسمی شماره ۱۳۱۱۳)، قانونگذار در ماده(۱۳) قانون،

۱. مرخصی‌های استحقاقی آزادگان شاغل در طول ایام اسارت که براساس ماده(۱۳) قانون حمایت از آزادگان پس از ورود به کشور، سنوات خدمتی آنان دو برابر محاسبه و ذخیره شده است، براساس آخرین حقوق و مزایای فرد قابل پرداخت خواهد بود. همچنین آزادگانی که پس از اسارت شاغل شده‌اند نیز از این مزایا برای مدت اسارت بهره‌مند خواهند شد.

صرفاً احتساب سوابق را از هر لحاظ مورد حکم قرار داده و در خصوص پرداخت حقوق و مزایا و عیدی آن ایام حکمی ندارد و عنایت و توجهی به این موضوع نداشته است. اصولاً پرداخت حقوق و مزایا مستلزم انجام خدمت است و در مواردی که قانونگذار مدنظر دارد که بدون انجام خدمت، حقوق و مزایا پرداخت شود، مراتب را به طور صریح و منجز بیان می‌کند، کما اینکه برای امکان پرداخت حقوق و مزایای کارکنان دولت که در جنگ تحمیلی به اسارت درآمده بودند، قانون راجع به اجازه پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر کارکنان دولت که به اسارت رژیم مزدور عراق درآمده و یا در مناطق اشغالی و جنگی باقی مانده‌اند به عائله تحت تکفل آنان - مصوب ۱۳۶۰ -^۱ تصویب شد.

۲- در موارد متعددی قانونگذار احتساب سابقه خدمت را مورد حکم قرار داده و در هیچ موردی پرداخت حقوق و مزایای آنها مورد حکم نبوده و منظور نشده است که موارد زیر را می‌توان ذکر کرد:

الف - قانون نحوه تأثیر سوابق خدمت غیردولتی در احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری کارکنان دولت - مصوب ۱۳۷۲ -

ب - قانون احتساب سوابق خدمت مستخدمین وزارتخانه‌ها و مؤسسات و

۱. قانون راجع به اجازه پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر کارکنان دولت که به اسارت رژیم مزدور عراق درآمده و یا در مناطق اشغالی و جنگی باقی مانده‌اند به عائله تحت تکفل آنان:

ماده واحده - به وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها اجازه داده می‌شود حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر کارکنان شاغل و حقوق کارکنان بازنشسته خود را که به سبب جنگ در مناطقی که طبق بخشنامه دولت منطقه جنگی اعلام شده است به اسارت دشمن درآمده یا در آن مناطق اشغالی به وسیله دشمن گرفتار مانده یا در جریان جنگ غایب یا مفقودالاثرا شده‌اند پس از اثبات موضوع و تأیید آن توسط دستگاه ذیربط به عائله تحت تکفل آنان با احراز هویت پرداخت نمایند.

حکم این ماده ناظر بر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است نیز خواهد بود. تبصره ۱- مدت اجرای این قانون تا شش ماه پس از پایان جنگ می‌باشد و با تصویب هیأت وزیران برای شش ماه دیگر قابل تمدید خواهد بود.

تبصره ۲- چنانچه تأیید موارد فوق از سوی مسئول مربوطه بدون دلیل کافی انجام شود و یا خلاف آن ثابت گردد، مسئول مربوطه و همچنین شخص مورد نظر به عنوان اختلاس از اموال عمومی تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

شرکت‌های دولتی در نهادهای انقلاب اسلامی و مأموریت کارکنان نهادهای مزبور به وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی - مصوب ۱۳۶۴-

ج - قانون احتساب سوابق خدمت روحانیون شاغل در نیروهای مسلح - مصوب ۱۳۷۴-

د - قانون مربوط به احتساب سوابق خدمت اشخاصی که در نهضت سوادآموزی خدمت کرده‌اند در سوابق استخدامی آنان در دستگاه‌های دولتی - مصوب ۱۳۶۳-

همچنین احتساب سابقه و وظیفه عمومی جزو سوابق خدمت دولتی موضوع قسمت اخیر ماده (۱۰۵) قانون مدیریت خدمات کشوری موجب پرداخت حقوق ایام خدمت و وظیفه از سوی دستگاه‌های اجرایی نخواهد بود.

۳- احتساب سابقه بدون حکم به پرداخت حقوق آثار مختلفی دارد که از جمله برای رسیدن به سن بازنشستگی و در تعیین حقوق بازنشستگی و نیز از لحاظ محاسبه سوابق تجربی برای تصدی پست‌های سازمانی است و عبارت «احتساب سوابق از هر لحاظ» شامل اینگونه موارد می‌شود.

۴- آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ صادر شده است، مؤید این استدلال است و ماده (۱۳) قانون را ناظر به نحوه احتساب سوابق دانسته و پرداخت دو برابر حقوق و مزایای دوران اسارت را به استناد ماده مذکور موجه ندانسته است.

۵- صرف‌نظر از دلایل ذکرشده مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۸ به عنوان مهمترین مبنا و منبع برای تفسیر قانون مؤید این امر است که قانونگذار در سال ۱۳۶۸ به بحث ترفیع و ارتقای رتبه و پایه و گروه و احراز پست سازمانی و احتساب سابقه خدمت برای استفاده از مزایای بازنشستگی عنایت داشته است. حتی در اثنای مذاکرات پیشنهادی از سوی یکی از نمایندگان (مرحوم موحدی ساوجی) مطرح می‌شود دال بر اینکه عبارت «در صورتی که تمایل داشتند» به متن اضافه شود، بر این اساس که اگر مدت اسارت، دو سال خدمت محسوب شود، ممکن است فرد به سن بازنشستگی برسد و مجبور به بازنشسته شدن شود در حالی که محتمل است تمایلی به این کار نداشته

باشد، لذا این حق و اختیار به آزادگان داده شد تا در صورت صلاحدید خود نسبت به بازنشسته کردن خود اقدام نمایند یا در صورت تمایل به عدم استفاده از این حق، به خدمت خود ادامه دهند که این نیز مؤید و قرینۀ دیگری بر استدلال فوق‌الذکر است.

۶- به موجب نظر تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان، مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است، بنابراین تزییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود. با توجه به اینکه مفاد ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان (اسرای آزادشده) بعد از ورود به کشور، ابهامی ندارد تا با تصویب طرح استفساریه نسبت به رفع ابهام از آن اقدام شود، لذا مصوبۀ مجلس شورای اسلامی بر اساس نظر تفسیری مذکور، تفسیر تلقی نمی‌گردد و چون موجب توسعه قانون شده است، مغایر اصل ۷۳ قانون اساسی تلقی می‌شود.

۷- مصوبۀ مذکور واجد بار مالی سنگینی برای دولت است که از این حیث نیز مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است.

۸- با توجه به اینکه متن قانون حمایت از آزادگان شمول بر غیرشاغل ندارد و صرفاً شامل شاغلان می‌شود و ماده واحده استفساریه مذکور آن را شامل غیرشاغلان نیز کرده است، لذا قانونگذاری جدید تلقی می‌شود و مشمول اصل ۷۳ نیست؛ بنابراین مغایر اصل ۷۳ قانون اساسی است.

۹- تذکر: عنوان دقیق قانون، «قانون حمایت از آزادگان (اسرای آزادشده) بعد از ورود به کشور مصوب ۱۳۶۸» است که به اشتباه در مصوبه به صورت عبارت «قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۶۹» ذکر شده است.